

جمعیت و توسعه پایدار در ایران

جواد اطاعت*

مقدمه: جمعیت و توسعه پایدار رابطه معناداری با هم دارند. در این خصوص با سه نظریه طرفداران رشد و ازدیاد جمعیت، مخالفان رشد جمعیت، هواداران جمعیت ثابت مواجه می‌باشیم. در این نوشتار نظریه جمعیت متناسب مورد توجه است که با تعادل بین جمعیت، منابع و فرآیند توسعه نه تنها نیازهای مادی و معنوی اعضای جامعه تأمین می‌شود، بلکه خوشبختی نسل‌های آتی نیز با استفاده بهینه از محیط زیست و پایداری فرآیند توسعه مد نظر باشد.

مروار انتقادی: برخی از مناطق که با پر جمعیتی نسبی و مطلق مواجه می‌شوند، لاجرم منابع ملی به جای سرمایه‌گذاری‌های اساسی و زیربنایی، صرف هزینه‌های مصرفی جمعیت رشد یافته می‌شود. جمعیت ایران نیز در پنج دهه اخیر میانگین رشد ۲/۴۵، تقریباً ۳/۷ برابر شده است. رشد جمعیت باعث گردیده است بخش اعظم منابع و سرمایه‌هایی که باید صرف سرمایه‌گذاری، ایجاد اشتغال، تولید و رونق اقتصادی و در نهایت توسعه شود صرف هزینه‌های مصرفی گردد. هزینه‌های آموزشی، بهداشتی، خدماتی و مهم‌تر از این‌ها پرداخت یارانه‌ها نمونه‌ای از آن‌هاست.

بحث: بیکاری، فقر، مشکلات آموزشی و بهداشتی، تخریب و آلودگی‌های زیست محیطی، کاهش سرانه آب از پیامدهای رشد فزاینده جمعیت در ایران است. بنابراین پیشنهاد می‌شود با کنترل مولید رشد جمعیت به ۰/۵ درصد کاهش یابد. خوشبختانه با توجه به اظهار نظرهای مراجع وفق‌های شیعه و اهل سنت در مورد عدم ممنوعیت کنترل مولید، که بعضاً مستقیماً از طرف نویسندگان استفتا شده است، بیان‌گر آن است که این جهت منع شرعی نیز وجود ندارد.

کلید واژه‌ها: ایران، توسعه پایدار، جمعیت متناسب، پر جمعیتی مطلق، پر جمعیتی نسبی، رشد جمعیت.

تاریخ دریافت: ۸۹/۵/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۰/۶/۳۰

* دکتر علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی <j_etaat@sbu.ac.ir>

مقدمه

کمیت، کیفیت و توزیع بهینه جمعیت در پهنه سرزمین و مهم‌تر از آن رشد جمعیت یکی از شاخص‌های تأثیرگذار در فرآیند توسعه پایدار^۱ است. برخلاف گذشته که وظایف سستی حکومت‌ها به حفظ نظم، امنیت عمومی و مبارزه با تهاجم خارجی محدود می‌شد، در عصر کنونی این وظایف به سمت برنامه‌ریزی و مسئولیت‌پذیری برای بهبود کمی و کیفی شاخص‌های زندگی و پاسخ به نیازهای جمعیتی و به طور کلی تسریع فرآیند توسعه سوق پیدا کرده است. در ابتدای این تحول ساختاری در کارکرد حکومت‌ها، آنچه ملاک عمل بود رشد اقتصادی^۲ واحدهای سیاسی بود. اما با ناکافی بودن واژه رشد متخصصین مربوطه برای چاره‌اندیشی واژه توسعه اقتصادی را جایگزین رشد اقتصادی نمودند. اگر چه در این پارادایم، علاوه بر رشد اقتصادی، بهبود سایر جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز مد نظر قرار گرفت، اما بعضاً به دلیل استفاده نامعقول از منابع محدود طبیعی، تداوم و پایداری فرآیند توسعه محل تردید جدی قرار گرفت و پژوهش‌گران، اصطلاح توسعه پایدار را جایگزین توسعه نمودند، تا علاوه بر دست‌یابی به این مهم تداوم و پایداری این فرآیند نیز تضمین گردد. بنابراین اگر توسعه پایدار مفهوم تکامل یافته توسعه باشد، خوشبختی چند جانبه نسل بشر، بدون کاهش توانایی‌های نسل‌های آتی و تخریب محیط زیست مد نظر است. مهم‌تر آن که سازمان ملل متحد نیز این پارادایم را به عنوان دستور کار قرن بیست و یکم^۳ در سطوح محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تعیین نمود. با توجه به رهیافت فوق، سؤال اساسی که مطرح می‌شود این است که بین جمعیت و توسعه پایدار چه رابطه معناداری وجود دارد؟ آیا رشد بی‌رویه جمعیت و به تبع آن استفاده نامناسب از منابع طبیعی و زیست محیطی، پایداری فرآیند توسعه را با مخاطره مواجه نمی‌سازد؟ پاسخ اولیه و فرضیه احتمالی این نوشتار آن است که رشد جمعیت، متناسب با امکانات و یا جمعیت متناسب^۴، متضمن تداوم فرآیند توسعه پایدار است. باین رویکرد پیامدهای رشد فزاینده جمعیت از

1- sustainable development 2- economic growth 3- agenda 4- optimimalists

منظر توسعه پایدار مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. امید آن که این گفتار مختصر، دست‌مایه‌ای هر چند اندک برای مسئولان و کارگزاران نظام سیاسی در ایران امروز باشد.

طرح و نقد نظریه‌های مربوط به رشد جمعیت

به طور کلی فرآیند رشد جمعیت به سه دوره یا مرحله «پیشامدرن»، «دوره مدرن» و «فرا مدرن» قابل تقسیم می‌باشد. دوره پیشامدرن، دوره‌ای است که اگر چه میزان موالید بالاست، اما به دلیل عدم توان مقابله با بیماری‌های واگیردار و شیوع این بیماری‌ها، نبود امکانات بهداشتی و رفاهی و سوء تغذیه، مرگ و میر نیز در سطح بالایی قرار داشت. در دوره پیشامدرن بین موالید و مرگ توازن و تعادلی طبیعی ایجاد می‌گردید. حتی برخی از مناطق با کم جمعیتی^۱ مواجه می‌شدند.

در دوره مدرن با پیشرفت علم، دانش و کشف داروهای جدید و مصونیت در مقابل بیماری‌های واگیردار و در کنار آن انقلاب سبز و افزایش تولیدات زراعی و دامی، مرحله جدیدی از فرآیند رشد جمعیت را شاهد هستیم. در این دوره میزان مرگ و میر نسبت به موالید رو به نقصان گذاشت و افزایش شتابان جمعیت آغاز شد که با گذشت زمان برخی از مناطق جهان با بحران پرجمعیتی^۲ مواجه گردیدند. برای مثال در حالی که در سال ۱۹۰۰ میلادی در برخی از کشورهای در حال توسعه بین یک دوم تا یک سوم از نوزادان در سال اول تولد فوت می‌کردند، در همین مقطع زمانی در انگلستان تنها پانزده درصد نوزادان طعمه مرگ می‌شدند. حتی این رقم برای کشور انگلستان در دهه ۱۹۷۰ به دو درصد کاهش یافت، هریسون (۱۳۶۴). در دوره سوم یا مرحله فرامدرن، اگر چه میزان مرگ و میر در سطح پایینی قرار دارد، اما به همان نسبت میزان موالید نیز کاهش می‌یابد و مجدداً وارد مرحله ثبات و سکون جمعیت خواهیم شد که نمود آن را هم اکنون در کشورهای پیشرفته صنعتی از جمله کشورهای اروپایی شاهد هستیم.

1- under population

2- over population

در مورد چگونگی رشد جمعیت نیز نظریه‌های متفاوتی وجود دارد. این رویکردها را می‌توان در سه گروه طرفداران رشد و ازدیاد جمعیت^۱، مخالفان رشد جمعیت یا موافقان محدودیت جمعیت^۲ و هواداران جمعیت ثابت^۳ تقسیم‌بندی نمود.

برخی از پژوهش‌گران و سیاست‌گذاران که نگرش کمی به مقوله جمعیت دارند به دلیل تأکید بر شاخص‌های کمی که مربوط به دوران پیشا مدرن است، نه تنها با رشد جمعیت مخالفتی ندارند، بلکه افزایش جمعیت را ضروری می‌پندارند و رشد فزاینده جمعیت را توجیه می‌نمایند. جامعه‌شناسانی از قبیل «اگوست کنت»، «امیل دورکهایم» و «آرسن دومون» طرفدار ازدیاد جمعیت بوده‌اند کتابی (۱۳۶۴). «دورکهایم» در رساله تقسیم کار اجتماعی، با تأکید بر افزایش حجم و تراکم جمعیت بر این باور است که توسعه کمی جمعیت موجبات تقسیم کار اجتماعی بیش‌تر و بهتر را فراهم می‌آورد و این تقسیم کار به نوبه خود، منشأ ایجاد تکامل در مظاهر مختلف زندگی می‌گردد. بهنام (۱۳۶۸).

پیروان مکتب سوداگری (مرکانتلیست‌ها) از جمله «ویلیام تمپل» عموماً از کثرت جمعیت طرفداری می‌کردند. «تمپل» در کتابی تحت عنوان «ملاحظات درباره هلند» در سال ۱۶۷۳ عنوان می‌دارد که ازدیاد جمعیت منشأ ثروت است. به اعتقاد وی وقتی تعداد جمعیت یک کشور کم باشد، افراد آن به آسانی آذوقه خود را تأمین می‌کنند و به همین خاطر به تنبلی و بیکاری متمایل می‌شوند، اما اگر جمعیت متراکم باشد مردم از روی الزام و اجبار به کار و فعالیت خواهند پرداخت. «مون کرتین» که یک مرکانتلیست صنعتی است نیز بر این باور است که انسان تنها یک رعیت یا سرباز نیست، بلکه یک نفر تولیدکننده است. «توکر» از هم‌فکران این نحله فکری هم عنوان می‌دارد که بین ازدیاد جمعیت و افزایش میزان اشتغال و توسعه فعالیت اقتصادی رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. «فیزیوکرات‌ها» که به قابلیت تولید زمین اعتقاد ویژه‌ای داشتند هم با پدیده رشد و افزایش جمعیت با نظر موافق می‌نگریستند. با وجود این که «تورگو» و «دوپون دونومور» کم و بیش

1- populationists 2- restrictionists 3- stationarists

از ازدیاد جمعیت طرفداری می‌کرده‌اند کتابی (۱۳۶۴). از سال‌های دهه شصت میلادی اقتصاددانان برجسته‌ای همچون «کوزنتس»، «بکر»، «فریدمن»، «ایسترلین» و «لیبنشتاین» به تحلیل‌های اقتصادی جمعیت پرداختند و در زمینه تحلیل وقایع جمعیتی به ویژه به رابطه جمعیت با توسعه، مهاجرت و عوامل تعیین‌کننده سطح زاد و ولد و باروری پرداخته و الگوهای ارزشمندی ارائه کردند. در میان آنان افزایش جمعیت نیز طرفدارانی دارد که مشهورترین آن‌ها «ژان اکرمین» سوئدی، «فرانسوا پرو» اقتصاد دان فرانسوی و «والتر روستو» نویسنده معروف کتاب مدارج رشد اقتصادی در کشور امریکاست (همان). «خوزه دوکاسترو» جمعیت‌شناس معروف برزیلی نیز در کتاب «جغرافیای گرسنگی» با نقد دیدگاه‌های مخالف رشد جمعیت از جمله «توماس مالتوس»، ریشه فقر و گرسنگی را نه به دلیل رشد جمعیت، بلکه آن‌را در نظام‌های اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جوامع بشری قلمداد می‌کند (همان).

«آدلف کست»، «باستیه»، «مارکس دوسیرابو»، «بوستروپ» و «آرسن دومن» نیز از جمله موافقان رشد جمعیت به حساب می‌آیند. «آدلف کست» افزایش جمعیت را یکی از معیارهای مهم افزایش رفاه عمومی قلمداد می‌کند. «باستیه» بر این باور است که از افزایش جمعیت نباید نگران بود، چرا که هر فرد دارای دو بازوی آهنین و یک مغز پولادین است و می‌تواند بر مقدار تولید بیفزاید. «مارکس دو میرابو» بر این عقیده است که جمعیت و مواد غذایی با تأثیرات متقابل، افزایش یکدیگر را باعث می‌شوند. افزایش جمعیت در واقع، انگیزه‌ای در تحول و تکاپوی انسان‌ها برای پیشرفت و استفاده صحیح از منابع بالقوه است کلاهی (۱۳۴۹). خانم «استربوستروپ» با ارائه نظریه انتقال جمعیت، عنوان می‌کند که نوسازی کشاورزی که خود نتیجه تحولات تکنیکی، اقتصادی و اجتماعی است، اتفاق نمی‌افتد مگر این که جامعه در معرض فشار جمعیتی قرار گیرد (الهی ۱۳۶۷).

«آرسن دومون» معتقد است، خانواده پر اولاد، موجب تقویت سجایای اخلاقی پدر و مادر و فرزندان می‌گردد. پدر و مادر به علت شمار فرزندان، احساس مسئولیت بیش‌تری

خواهند کرد و ناگزیر به فعالیت بیش‌تر می‌پردازند. فرزندان نیز چون تعداد آن‌ها زیاد است نمی‌توانند به اتکای حمایت والدین، تنبلی پیشه کنند، بلکه از اوان جوانی ناگزیر بر پای خود می‌ایستند و متکی به نفس بار می‌آیند (بهنام).

مخالفت با رشد فزاینده جمعیت نیز از قدمتی دیرینه برخوردار است. فلاسفه، صاحب نظران حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی از دیرباز با رشد روز افزون جمعیت به مخالفت برخاسته‌اند. «افلاطون» در راستای جمعیت متناسب و استفاده مطلوب از امکانات، جمعیت ۵۰۴۰ نفری را برای شهرها ایده آل می‌داند (شیخی). مکاتب «اپیکوریان» و «رواقیان» نیز از جمله مخالفان افزایش جمعیت بوده‌اند (کتابی). از بین فلاسفه و متفکران اسلامی هم باید از «ابن مسکویه»، «غزالی»، «خواجه نصیرالدین طوسی»، «جلال‌الدین اسعد دوانی» نام برد که از مخالفان رشد جمعیت بوده‌اند (همان). «ابن خلدون» هم نسبت به پدیده جمعیت واکنش نشان داده و برای نخستین بار نظریات تغییرات دوره‌ای جمعیت را عنوان کرده است ابن خلدون (۱۳۴۵).

در اواخر صده هجدهم «توماس رابرت مالتوس» کشیش و جمعیت‌شناس انگلیسی از مخالفان جدی رشد جمعیت، در سال ۱۷۹۸ میلادی، در کتابی تحت عنوان «تحقیق درباره اصل جمعیت و تأثیر آن در پیشرفت جامعه» به ارتباط بین جمعیت با منابع طبیعی پرداخت. وی با استفاده از قانون بازده نزولی و همچنین افزایش تصاعدی جمعیت در مقابل نسبت حساسی مواد غذایی، عدم تعادل و توازن جمعیت و وسایل معیشت را موجب بحران دانست (الهی). «جان استوارت میل» اقتصاد دان و فیلسوف سیاسی در اواسط قرن نوزدهم، کثرت جمعیت در خانواده رابه عنوان قباحتی نظیر میخوارگی تلقی می‌نماید (کتابی). «برتراند راسل»، رشد فزاینده جمعیت را خطری معادل به کارگیری بمب هیدروژنی تلقی نموده و پیشنهاد می‌دهد که اگر یک صدم هزینه نظامی صرف کنترل موالید شود، نتیجه ارزنده‌ای به بار خواهد آورد (Junk 1964). «آلفرد سوی» هم بر این باور است که مشکل اساسی تضاد بین سوسیالیسم و کاپیتالیسم یا جنگ علیه امپریالیسم و استعمار نو یا هر راه

دیگری که کشورهای آزاد شده از استعمار در پیش می‌گیرند نیست. بلکه مشکل اساسی و حقیقی مسئله رشد جمعیت کره زمین است (الهی).

در بین پیشگامان جامعه‌شناسی «امیل دورکیم» جامعه‌شناس فرانسوی در سال ۱۹۳۳ تأثیر اندازه، تراکم و ترکیب جمعیت را بر جامعه و ساختار اجتماعی مورد تأکید قرار داده و توسعه اجتماعی را در گرو جمعیت متوازن می‌داند. به عبارت دیگر عدم کنترل کمیت و بهبود کیفیت جمعیت مسائل مربوط به فقر، آلودگی محیط زیست، مسائل بهداشتی، کمبودهای هنری و فرهنگی را برای جوامع به وجود می‌آورد (شیخی).

برخی از صاحب نظران نیز از منظری زیست‌شناسانه نسبت به خطر رشد جمعیت و تأثیر آن بر محیط زیست اظهار نظر کرده‌اند. «مارگارت مید» مردم‌شناس آمریکایی عنوان می‌کند که جمعیت زیاد تعادل اکولوژیکی را به هم می‌زند زیرا مواردی که انسان به صورت غذا، لباس و سایر کالاهای کارخانه‌ای مصرف می‌کند، قابل برگشت به طبیعت نیست. همچنین با از بین رفتن جو زمین بر اثر برهم خوردن تعادل اکولوژی این خطر وجود دارد که گرمای زیاد باعث شود که اقیانوس‌ها نتوانند وظیفه خنک نگه داشتن زمین را عهده‌دار شوند و در نتیجه زمینه مساعد تولیدات از بین برود. او نتیجه می‌گیرد که سلامت این کره خاکی به حفظ تعادل بین جمعیت، طبیعت و محیط زیست وابسته است. «کوک» هم با همین رویکرد عنوان می‌کند که وظیفه اکولوژی مشخص کردن و فهمیدن ارتباط و تأثیر متقابل گیاهان، حیوانات و انسان بر یکدیگر و بر محیط اطراف خود است. با توجه به وجود چهار عنصر اساسی در مجموعه اکولوژی یعنی محیط، هوا، آب و مردم، ازدیاد و چند برابر شدن جمعیت، تعادل این مجموعه را تغییر داده است. نتایج برهم زدن اکولوژی، از صدمه زدن به سلامت و مشکلات فیزیکی بشر فراتر می‌رود و اساس تمدن و فرهنگ بشری را نابود می‌کند (الهی). «ژولیان هاگسلی» از زیست‌شناسان بر این باور است که رشد زیاد جمعیت در کشورهای در حال توسعه، پیشرفت کشورهای صنعتی را نیز به خطر می‌اندازد. وی عنوان می‌کند که سازمان ملل و تشکیلات وابسته به آن باید مسئله

جمعیت را به عنوان یک مسئله اصلی و فوری که باید سریعاً حل شود مد نظر قرار دهند و دانشمندان باید کوشش خود را مصروف یافتن وسایل مؤثر کنترل موالید کنند(همان).

با توجه به نظرات موافق و مخالف رشد جمعیت و تأثیر زمان و مکان بر این اندیشه‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که مخالفت یا موافقت مطلق با رشد جمعیت معنا و مفهومی ندارد. این موضوع بسته به شرایط زمانی و مکانی و از کشوری به کشور دیگر تفاوت می‌یابد. در دوره سستی به علت بیماری‌های واگیردار همچون طاعون، وبا، آبله و... میزان مرگ و میر بالا بوده و طول عمر پایین بوده است. در این دوران بقای نسل به گونه‌ای مورد تهدید قرار داشته است که برای ایجاد تعادل و جبران مرگ و میر، ولادت زیاد ضرورت داشته است. از طرف دیگر به دلیل عدم دسترسی به تکنولوژی که مربوط به دوره مدرن است و تأثیر فعالیت‌های فیزیکی انسان در تولیدات و دفاع از خود در جنگ‌ها، کمیت جمعیت و توان فیزیکی حائز اهمیت بسیار بوده است. به طور طبیعی در چنین شرایطی، رشد جمعیت نه تنها لازم که ضروری می‌نمود. همچنین در کشورهای اروپایی که بعضاً با رشد منفی جمعیت روبه رو می‌باشند، صاحب نظران و دولت‌ها ناگزیر به ارائه نظریات تشویقی و راهکارهایی برای تولید مثل و افزایش رشد جمعیت می‌باشند. اما در کشورهای در حال توسعه که با معضل رشد جمعیت مواجه می‌باشند، تمامی تلاش صاحب نظران، دولت‌های حاکم و سازمان‌های بین‌المللی باید بر کنترل شدید جمعیت معطوف گردد.

این که رشد جمعیت محرک توسعه است یا مانع فرآیند توسعه، به میزان جمعیت پایه، ترکیب سنی و شتاب رشد جمعیت از یک سو و شرایط اجتماعی، اقتصادی کشورها از سوی دیگر بستگی دارد. در کشورهایی که رشد جمعیت مانعی بر توسعه پایدار نباشد، این رشد می‌تواند مفید باشد، در غیر این صورت رشد جمعیت نه تنها مانعی بر فرآیند توسعه که باعث مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی خواهد شد. مهم‌تر آن که در دنیای مدرن کیفیت جمعیت بر کمیت آن رجحان یافته است. کما این که از اواخر

قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم سیاست‌های نوین جمعیتی کیفیت جمعیت را تحت عنوان بهبود نسل مطمح نظر قرار داده است. در سال ۱۸۸۰ «فرانسیس گالتون» دانشمند انگلیسی، اولین کسی بود که از دیدگاه علمی به موضوع بهبود نسل بشر از نظر کیفی پرداخت (شیخی).

بنابراین از آن‌جا که متغیرهای جمعیت‌شناسی کمی و کیفی و خصوصیات و ویژگی‌های فرهنگی جمعیت بر متغیرهای توسعه تأثیر می‌گذارند، جمعیت متناسب پیش نیاز برنامه‌ریزی و لازمه گذار موفق فرآیند توسعه پایدار است.

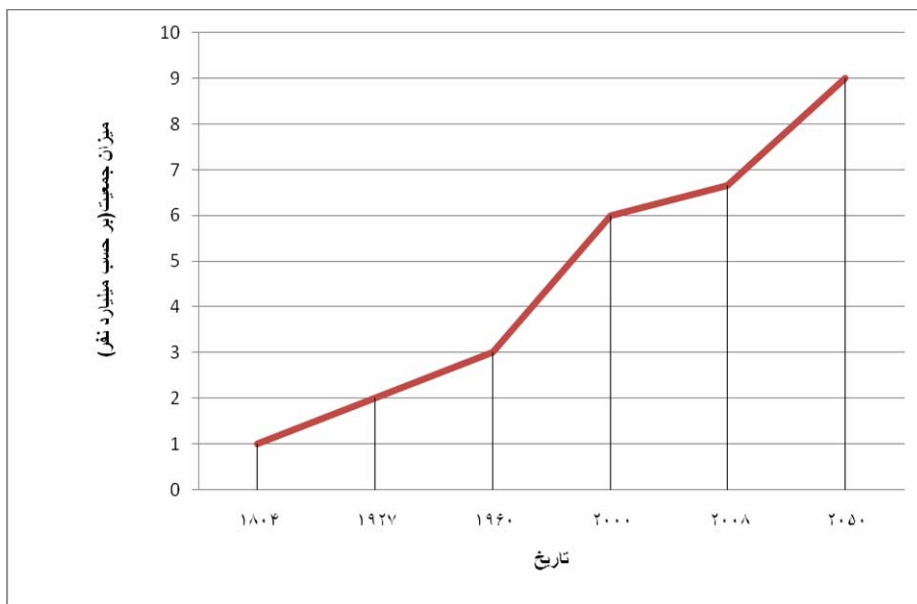
بحث

الف: فرآیند رشد و توزیع جمعیت در جهان و ایران

فرآیند رشد جمعیت و به تبع آن تعداد جمعیت جهان در دوره‌های مختلف متفاوت است. در دوره پیشامدرن صدها هزار سال طول کشید تا در اوایل دوره مسیحیت جمعیت دنیا به حدود ۲۵۰ میلیون نفر برسد و بیش از شانزده قرن دیگر سپری شد تا جمعیت دنیا دو برابر شود (شیخی). با انقلاب صنعتی و توسعه اقتصادی در اروپا و یا به عبارتی با ورود به دوره مدرن، جریان انفجار جمعیت کلید خورد. در حالی که تا سال ۱۸۰۴، جمعیت جهان هیچ‌گاه به مرز یک میلیارد نفر نرسیده بود، ۱۲۳ سال بعد در سال ۱۹۲۷ جمعیت کره زمین به دو میلیارد نفر و سپس در عرض ۳۳ سال بعد در سال ۱۹۶۰ به سه میلیارد، و چهل سال بعد یعنی در آستانه قرن بیست و یکم از مرز شش میلیارد نفر گذشت.

هم اکنون بر اساس آخرین آمارها در سال ۲۰۱۰ جمعیت جهان، ۶ میلیارد و ۹۸۶ میلیون نفر بر آورد شده است و پیش بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰ به بیش از نه میلیارد نفر برسد. اطلس گیتاشناسی (۱۳۸۹). به عبارتی رشد جمعیت جهان از سال ۱۷۵۰ تا اوایل قرن بیستم تنها نیم درصد در سال بوده است. از آن زمان تا سال ۱۹۵۰ این میزان رشد به ۱٪ و از سال ۱۹۵۰ به طور بی‌سابقه‌ای به ۲٪ افزایش یافت (شیخی). نمودار فرآیند رشد

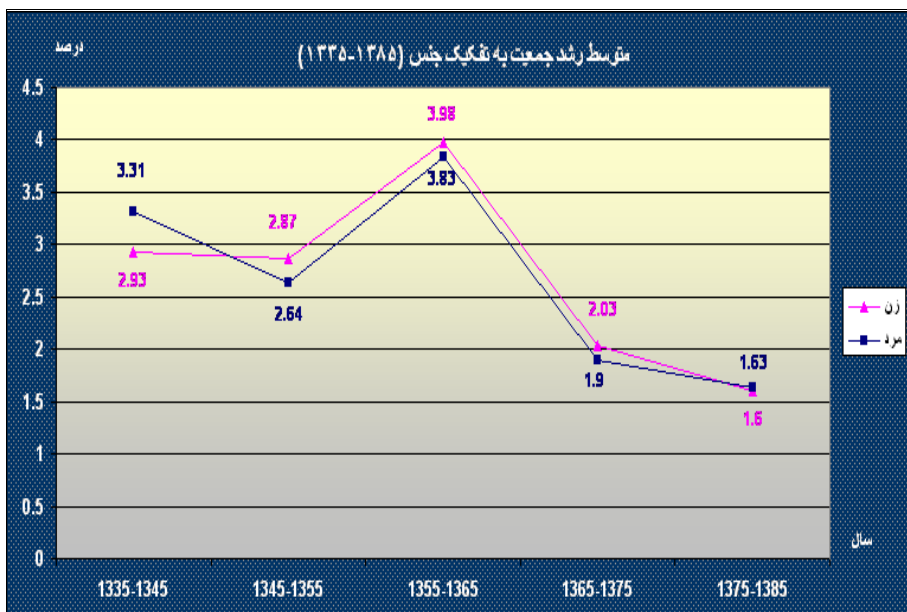
جمعیت جهان را از ابتدای قرن نوزدهم تا نیمه قرن بیست و یکم به تصویر می‌کشد.



لازم به ذکر است که فرآیند رشد جمعیت در مناطق مختلف جهان متفاوت بوده است. برای مثال رشد جمعیت در کشورهای در حال توسعه دو و گاهی سه برابر رشد جمعیت در کشورهای صنعتی است. برای مثال در اروپا هرگز رشد جمعیت از ۱٪ تجاوز نکرده است و در امریکای شمالی هم به ندرت از ۱/۵٪ در سال تجاوز کرده است (همان). مهم‌تر آن که جمعیت پایه‌ای کشورهای صنعتی کم‌تر از جمعیت پایه‌ای کشورهای در حال توسعه بوده است. مسئله مهم دیگر این است که توزیع جمعیت در مناطق مختلف جهان نیز متفاوت است که نمودار زیر این توزیع را به خوبی نشان می‌دهد.



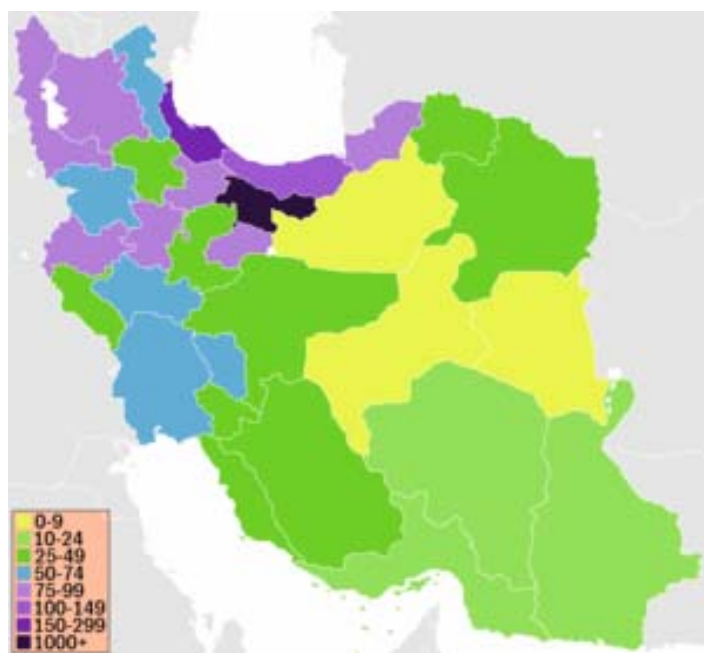
فرآیند رشد جمعیت در ایران نیز از قاعده فوق مستثنا نبوده و نیست. اگر چه آمار دقیق از جمعیت ایران قبل از اولین سرشماری در سال ۱۳۳۵ شمسی در دست نیست، اما بر اساس برآوردها در سال ۱۲۶۰ جمعیت ایران برابر با ۷/۶ میلیون نفر بوده است اطاعت (۱۳۷۶). این جمعیت در اولین سرشماری رسمی در سال ۱۳۳۵، ۱۸,۹۵۴,۷۰۴ نفر و در آخرین سرشماری یعنی به فاصله ۵۰ سال بعد یعنی در سال ۱۳۸۵، ۷۰,۴۹۵,۷۸۲ نفر اعلام شده است. به عبارتی طی پنج دهه، جمعیت ایران با میانگین رشد ۲/۵۴ درصد، ۳/۷ برابر گردیده است.



ماخذ: مرکز آمار ایران

از نظر خصوصیات و شاخص‌های جمعیتی نیز تراکم نسبی جمعیت در سال ۱۳۳۵ حدود ۱۲ نفر و در سال ۱۳۸۵ به ۴۲/۶۲ نفر بالغ شده است. از این میزان در این مدت با روندی معکوس، حدود ۶۸٪ در شهرها و ۳۲٪ در روستاها زندگی می‌کنند. به علاوه، این جمعیت از توزیع جغرافیایی نامناسبی نیز برخوردار شده است. در حالی که در استان سمنان تراکم نسبی ۷/۶ نفر در هر کیلومتر مربع است. این نسبت در استان تهران ۷۱۳ نفر می‌باشد.

در مقیاس قلمرو جغرافیایی ایران نیز، اگر با یک خط فرضی از شمال به جنوب، ایران را به دو نیمه شرقی و غربی تقسیم نماییم، ۲۷/۳۴ در صد جمعیت در نیمه شرقی و ۷۲/۶۵ درصد در نیمه غربی زندگی می‌کنند. هم چنین ۵۷/۳ درصد از جمعیت ایران تنها در یک چهارم شمال غربی ایران متمرکز شده‌اند. نقشه ایران تراکم جغرافیایی جمعیت را در استان‌های مختلف نشان می‌دهد.



نقشه تراکم جمعیت در قلمرو جغرافیایی ایران

از نظر ترکیب سنی نیز در پنج دهه از اولین تاریخ سرشماری در ایران با میانگینی بالغ بر ۴۰ درصد زیر ۱۵ سال، ۲/۹۵ درصد بالای ۶۵ سال و ۵۵/۸۶ درصد بین ۱۵ تا ۶۵ سال قرار دارند. با هسته‌ای شدن خانوارها، بعد خانوار نیز فرایندی نزولی پیدا کرده است. به عبارتی میانگین افراد خانوار به مرور کاهش یافته است. در حالی که در سرشماری سال ۱۳۲۵، میانگین کل خانوار (شهری - روستایی) عدد ۵ بوده است، در سال ۱۳۸۵ به عدد ۴ تقلیل پیدا کرده است مرکز آمار ایران (۱۳۸۶). آمار و ارقام فوق بیانگر این موضوع است که کشور ایران مانند سایر کشورهای در حال توسعه در مرحله دوم فرآیند رشد جمعیت قرار دارد.

ب: اسلام و کنترل رشد جمعیت

علاوه بر عوامل اجتماعی و اقتصادی، اعتقادات فرهنگی و باورهای دینی، بفرآیند رشد و کنترل جمعیت تأثیر به سزایی دارد. فرهنگ یک جامعه است که می‌تواند توضیح دهد چرا جوامع مشابه از نظر اقتصادی در زمینه‌های دموگرافیک متفاوت عمل می‌کنند. به عبارتی تعادل جمعیت به عنوان یکی از مسائل عمده‌ای که دولت‌ها و برنامه ریزان اجتماعی برای نیل به آن تلاش می‌کنند، زمانی محقق خواهد شد که عوامل عقیدتی و فرهنگی مربوط به کاهش زاد و ولد و کنترل موالید از بین رفته باشد میرزایی (۱۳۸۴). اگرچه رسانه‌های دیداری، شنیداری و نوشتاری می‌توانند فرهنگ‌ساز باشند، اما ادیان الهی و اعتقادات دینی در میان جمعیت مؤنمان تأثیرگذارتر است. با توجه به اهمیت موضوع این سؤال مطرح می‌شود که دین اسلام نسبت به رشد جمعیت چه دیدگاهی دارد؟ آیا فقها و متفکران اسلامی استفاده از شیوه‌ها و روش‌های کنترل جمعیت را مجاز می‌دانند؟

ادیان الهی به طور کلی مشوق ازدواج و تداوم نسل بوده‌اند. در سوره نور در قرآن مجید آمده است: زنان و مردان مجرد و غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید، اگر فقیر باشند، خداوند از فضل خود آن‌ها را بی‌نیاز خواهد کرد. همچنین در آیه ۱۵۱ سوره انعام می‌خوانیم: فرزندان خود را به خاطر فقر نکشید، ما روزی شما و آن‌ها را تأمین خواهیم کرد. اگر در آیات فوق تشکیل خانواده و ازدیاد نسل مورد تشویق قرار گرفته است، اما در قرآن مجید آیه‌ای که دال بر منع کنترل موالید باشد به چشم نمی‌خورد. علاوه بر آن از بررسی نظریات فقهی فقها اهل سنت و شیعه چنین بر می‌آید که به نظر آنان اعمال شیوه‌های جلوگیری از حاملگی قبل از انعقاد نطفه ممنوع نیست (کتابی). «باسم مسلم» از محققان عرب زبان در تحقیقات خود در این زمینه به این نتیجه رسیده است که پیشگیری از حاملگی در اسلام و قوانین اسلامی ممنوع نبوده و مجاز است (Musallam 1983).

«محمد بن یعقوب کلینی» در کتاب فروع کافی در بخش النکاح، «غزالی» در کتاب احیاء العلوم، «ابن قیوم حنبلی» در زادالمعاد، شیخ حر عاملی در وسائل الشیعه و «سید

کاظم یزدی» در عروه الوثقی، توسل به عزل به منظور جلوگیری از حاملگی را مجاز دانسته‌اند. در میان منابع و کتب اطباء اسلامی نیز درباره شیوه‌های مختلف پیشگیری از حاملگی به طور مبسوط سخن به میان آمده است. خلاصه التجارب «زکریای رازی»، قانون «ابن سینا» و تذکره «شیخ داود انطاکی» از آن جمله‌اند. برای مثال در کتاب قانون ابن سینا، حداقل بیست دستورالعمل یا روش برای جلوگیری از آبستنی ذکر شده است. حتی در کتاب خلاصه التجارب طریقه خارج کردن نطفه منعقد از رحم مادر در موارد ضروری به وسیله کاربرد ابزار و یا از طریق استفاده از مواد شیمیایی تشریح شده است (کتابی).

علاوه بر متون کهن، صاحب نظران و فقهای معاصر اسلامی عموماً به صورت ابتدا به ساکن و یا در پاسخ به استفتاها در خصوص کنترل موالید اعلام موضع کرده‌اند. در ژانویه ۱۹۳۷ «شیخ عبدالمجید سلیم» مفتی اعظم مصر بر عدم ممنوعیت جلوگیری از انعقاد نطفه فتوا داد. حتی ایشان فراتر از آن استفاده از داروها به منظور سقط جنین تا قبل از شانزدهمین هفته شروع بارداری را مجاز می‌داند. در مارس ۱۹۵۳ نیز کمیته فتوای دانشگاه الازهر مصر نظر خود را در مورد عدم ممنوعیت استفاده موقت از داروهای جلوگیری کننده از بارداری اعلام نمود. «شیخ محمود شلتوت» ریاست وقت دانشگاه الازهر در کتاب «آیین اسلام و خانواده» با اشاره به کیفیت جمعیت، خواهان آن است که اجتماع اسلامی، یک جامعه نیرومند باشد. وی این امر را تنها از طریق تنظیم خانواده و کنترل موالید امکان پذیر می‌داند. مفتی اعظم اردن هم در دسامبر ۱۹۶۶ استفاده از وسایل پیشگیری از حاملگی را جایز شمرده و حتی فراتر از آن استفاده از داروهایی به منظوسقط جنین را مجاز می‌داند (همان). علامه «خالد محمد خالد» در کتاب «از اینجا آغاز کنیم» می‌نویسد: این مطلب باید کاملاً به مردم تفهیم شود که افزایش بی حساب جمعیت نه تنها قابل ستایش نیست، بلکه از نظر اجتماعی و اقتصادی زیان بار است. وی اضافه می‌کند که تعلیمات اسلامی، چه به لحاظ منافع شخصی و چه به خاطر مصالح اجتماعی، تنظیم خانواده را لازم

می‌شمارد و معتقد است بر طبق تعالیم اسلامی هر گونه افزایش جمعیت که با پیشرفت اقتصادی و برنامه‌ریزی اجتماعی هماهنگ نباشد، بلای آسمانی شمرده می‌شود (همان).
فقها و مراجع تقلید شیعه در ایران معاصر هم در این مورد اعلام موضع کرده‌اند. «امام خمینی» در پاسخ وزیر بهداشتی دولت مهندس بازرگان در خصوص جلوگیری از بارداری عنوان می‌کند، در صورتی که از نظر بهداشتی ضرری متوجه بانوان نباشد و شوهر نیز با این امر موافق باشد شرعاً جایز است (روزنامه کیهان ۱۹ شهریور ۱۳۵۸). «آیت‌الله مکارم‌شیرازی» هم در پاسخ به سئوالی در مورد تبلیغ و ترویج جلوگیری و کنترل موالید می‌نویسد: در صورتی که اهل خبره و کارشناسان متدین، مسئله کنترل و محدود ساختن موالید را یک ضرورت اجتماعی تشخیص دهند، شرعاً می‌توان به طور موقت با آن موافقت کرد و یا در صورت لزوم به طور حساب شده از آن تبلیغ نمود؛ اما باید توجه داشت که در مواردی که طبق تشخیص اهل خبره متعهد، کنترل جمعیت ضروری است، باید حتماً از وسایل مشروع استفاده کرد نه از وسایل نامشروع مانند سقط جنین و امثال آن پایگاه اطلاع رسانی آیت‌الله مکارم‌شیرازی (۱۳۸۹).

«آیت‌الله خامنه‌ای» نیز در پاسخ به سؤال نگارنده در مورد جواز شیوه‌ها و روش‌های کنترل جمعیت عنوان داشته‌اند که: «جلوگیری از بارداری فی نفسه به طریق عزل اشکال ندارد و همچنین استفاده از راه‌های دیگر هم اگر با یک غرض عقلایی صورت گیرد و ضرر قابل ملاحظه‌ای هم نداشته و با اجازه شوهر بوده و مستلزم لمس و نظر حرام نباشد، اشکال ندارد ولی شوهر حق ندارد همسر خود را به این کار وادار نماید.» پاسخ به نگارنده شماره ۴۰۶۲۷. «آیت‌الله موسوی اردبیلی» هم نه تنها کنترل جمعیت را فی نفسه بلا اشکال می‌داند، بلکه معتقدند اگر مهمی که لازم رعایه است بر آن متوقف باشد، کنترل موالید لازم نیز می‌باشد پاسخ به نگارنده شماره ۳۳۴۴.

«آیت‌الله صانعی» در کتاب استفتائات پزشکی در پاسخ به سئوالات متعددی پیشگیری از حاملگی، استفاده از وسایل جلوگیری از بارداری و به طور کلی کنترل رشد جمعیت را مجاز می‌داند آیت‌الله صانعی (۱۳۸۷).

اجمالاً این که از دیدگاه اسلام تشکیل خانواده و تداوم نسل مورد تشویق قرار گرفته است، اما منعی برای کنترل موالید قائل نشده است. براین مبنا با استناد به اصل «اصاله الاباحه» هر اقدام یا عملی که واجب یا مورد نهی واقع نشده است انجام آن منعی ندارد و مجاز است. از دیدگاه فقها و صاحب نظران اسلامی هم از آن جا که شیوه عزل مجاز شناخته شده است به تبع آن سایر روش‌های جدید که در علوم پزشکی متداول است نیز بلا اشکال خواهد بود. مهم‌تر آنکه به قول ایت الله موسوی اردبیلی اگر مهمی که لازم الرعایه است بر آن متوقف باشد کنترل موالید لازم نیز می‌باشد. تنها محدودیت سقط جنین است که به جز در موارد ضروری بر ممنوعیت آن تأکید شده است.

ج: پیامدهای رشد فزاینده جمعیت

رشد فزاینده جمعیت، پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و زیست محیطی زیادی را به دنبال دارد. رشد روزافزون جمعیت در ابتدا موجب پرجمعیتی نسبی می‌گردد و آن زمانی است که رشد تولید از رشد جمعیت عقب می‌افتد. در این شرایط با استفاده از داده‌های علمی و پژوهشی، سرمایه‌های داخلی و خارجی و بهره‌برداری از شیوه‌ها و روش‌های تکنولوژیک، امکان به فعلیت در آوردن منابع بالقوه و نهایتاً تولید بیشتر عملی است؛ اما چنانچه رشد جمعیت کنترل نگردد و جامعه‌ای با پرجمعیتی مطلق مواجه شود، استفاده از همه منابع و امکانات موجود هم پاسخ‌گوی نیازهای واقعی جمعیت نامتوازن و نامتعادل با منابع نخواهد بود.

برای مثال از چهار صد میلیارد متر مکعب نزولات جوی در حال حاضر حدود صد میلیارد ان قابل استحصال است. با سرمایه‌گذاری، توسعه امکانات و احداث سدهای جدید و مهم‌تر از آن مکانیزه کردن مصرف و صرفه‌جویی می‌توانیم تا پنجاه میلیارد متر مکعب آب دیگر هم تجدید پذیرنماییم در غیر این صورت منابع طبیعی جواب‌گوی نیازهای بیش‌تر نخواهد بود. کما این که هم اکنون ایران با جمعیت ۷۵ میلیونی به دلیل به فعلیت در

نیامدن همه امکانات و ظرفیت‌های بالقوه و توسعه نیافتگی کشور، با مشکل پرجمعیتی نسبی مواجه است، اما می‌توان با پی‌گیری فرآیند توسعه، صرفه جویی، استفاده بهینه و کنترل جمعیت این مشکل را برطرف کرد ولی نرخ رشد جمعیت مسئله دیگری است. اگر رشد جمعیت ایران ۳ درصد باشد، هر بیست و سه سال یک بار جمعیت این کشور دو برابر خواهد شد، به عبارتی با این نرخ رشد ظرف ۶۹ سال جمعیت ایران ۶۰۰ میلیون نفر و ۲۳ سال بعد از آن به یک میلیارد و دویست میلیون نفر خواهد رسید که در آن صورت با پرجمعیتی مطلق مواجه خواهد بود.

مسئله دیگری که از رشد فزاینده جمعیت ناشی می‌شود عدم توازن و تعادل ساختمان جمعیت و هرم سنی آن است. میانگین رشد ۲/۵۴ درصدی جمعیت ایران در ۵۰ سال اخیر باعث شده است به طور میانگین، بالغ بر ۴۰ درصد جمعیت کشور در سنین زیر ۱۵ سال قرار گیرد. اگر با احتساب جمعیت فعال بین ۱۵ تا ۶۵ سال، ۲/۹۵ درصد جمعیت بالای ۶۵ سال را به عدد فوق اضافه کنیم، بدون احتساب جمعیت بیکاران و کسانی که بالاتر از ۱۵ سالگی به تحصیل ادامه می‌دهند و هنوز شاغل به کار نگشته‌اند، نزدیک به ۴۳ درصد جمعیت ایران مصرف کننده محض بوده‌اند. نیازهای بهداشتی، پوشاک، تغذیه، آموزش، مسکن و ... این جمعیت هزینه بسیار بالایی را به سرمایه‌هایی که می‌توانند صرف سرمایه گذاری‌های زیربنایی برای ایجاد اشتغال، تولید، رونق اقتصادی و به طور کلی پیشبرد فرآیند توسعه قرار گیرند، تحمیل می‌کند.

سیر فزاینده جمعیت باعث می‌شود تابخش قابل توجهی از منابع توسعه ملی، به جای اختصاص یافتن به فعالیت‌های تولیدی صرف جواب‌گویی به تقاضاهای مصرفی جمعیت در حال رشد گردد. این در حالی است که رشد یک درصدی جمعیت، مستلزم آن است که چهار درصد درآمد ملی صرف سرمایه گذاری‌های مربوط به آن رشد جمعیت گردد که اصطلاحاً سرمایه گذاری برای جمعیت^۱ نامیده می‌شود. سرمایه‌هایی که صرف آموزش و

1- demographic investment

پرورش و آموزش عالی می‌شود، یکی از همین هزینه‌هاست. برای مثال در دهه ۶۰ به دلیل نرخ بالای زاد و ولد، تعداد دانش آموزان از ۷/۵ میلیون نفر به ۱۴/۵ میلیون نفر بالغ گردید. در این شرایط یا باید سرمایه‌سنگینی متناسب با افزایش دانش آموزان به مراکز علمی و آموزشی اختصاص یابد و یا این که سهم سرانه دانش آموزان و دانش جویان کاهش پیدا کند که در هر دو صورت خسارت اقتصادی، اجتماعی، سنگینی را بر سرمایه‌های مالی و انسانی و سپس سرمایه اجتماعی تحمیل می‌کند. افراد انسانی تنها عامل تولید نیستند، بلکه سرمایه‌های بالقوه انسانی هستند که هر قدر برای آن‌ها در موضوع آموزش و پرورش سرمایه‌گذاری بیش‌تری شود، موجد و مولد ارزش‌های بالفعل بیش‌تری خواهد بود. این در حالی بود که در دهه ۶۰ با افزایش تعداد دانش آموزان همراه با تورم، سهم سرانه دانش آموزان به قیمت ثابت سال ۱۳۷۰ در مقایسه با سال ۱۳۶۰ به یک سوم تقلیل یافت (میرزایی). رشد افزایش بودجه اختصاصی در سال‌های اخیر علی‌رغم موفقیت نسبی در کنترل جمعیت روی دیگر سکه است به گونه‌ای که صرف نظر از سرمایه‌های ثابت از قبیل ساختمان، تجهیزات و نیروی انسانی، بودجه آموزش و پرورش و آموزش عالی ایران در سال ۱۳۸۹، مبلغی بالغ بر ۱۵ هزار میلیارد تومان برآورد شده است که بیش از ۴ درصد از بودجه کل کشور را شامل می‌شود.

این جمعیت فزاینده پس از گذران دوران آموزشی وارد بازارکار می‌شود. از آن جا که سرمایه‌ها به جای سرمایه‌گذاری، صرف نیازهای مصرفی شده است، توازن و تعادل بین سرمایه‌گذاری، ایجاد اشتغال و تقاضای اشتغال به هم می‌خورد و نرخ بیکاری فزونی می‌یابد. کما این که نرخ بیکاری بر اساس سرشماری‌های دوره‌ای به نسبت رشد جمعیت افزایش یافته است. درصد بیکاران در سرشماری‌های سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵، به ترتیب ۲/۶، ۹/۶، ۱۰/۲، ۱۴/۲، ۱۲/۸ و ۹/۱ بوده است مرکز آمار ایران (۱۳۸۶). هم اکنون بر اساس آخرین گزارش مرکز آمار ایران متوسط نرخ بیکاری به بالاترین میزان یعنی ۱۴/۶ درصد رسیده است روزنامه همشهری (۲۳ شهریور ۱۳۸۹). به بیانی دیگر در دهه‌های اخیر

به طور متوسط در هر سال یک میلیون نفر به بازار کار ایران اضافه شده است، در حالی که برای کم‌تر از یک سوم جمعیت جویای کار امکان اشتغال وجود داشته است.

اهمیت مسئله بیکاری جوانان، تنها از جنبه اقتصادی آن نیست. جوانی جمعیت خواسته‌ها و تقاضاهای سیاسی رادیکال‌تری نیز دارد که به دلیل توسعه نیافتگی سیاسی و در نتیجه عدم امکان مدیریت این مطالبات زمینه مساعدی برای جنبش‌ها، شورش‌ها، بحران‌ها و در نتیجه بی‌ثباتی و ناپایداری سیاسی را فراهم می‌آورد.

از نظر آسیب‌شناسی اجتماعی هم، بیکاری که نتیجه عدم تعادل و توازن بین رشد جمعیت، سرمایه‌گذاری‌ها و بهره‌برداری از منابع است، منشأ بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی است. اگرچه رابطه بین ناهنجاری‌هایی چون فقر، فحشا، طلاق، بزهکاری، سرقت، ناامنی، قاچاق مواد مخدر، مشکلات روحی، روانی و... با بیکاری نیازمند پژوهش‌های جداگانه‌ای است اما مطالعه تطبیقی شاخص‌های فوق با رشد جمعیت و بیکاری در کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران این موضوع را تأیید می‌کند و رابطه معناداری بین این ناهنجاری‌ها و بیکاری وجود دارد و اعتیاد به عنوان مسکنی برای تحمل این وضعیت جوانان بیکار را به خود فرا می‌خواند.

شهری شدن جهان و تراکم جمعیت در شهرهای بزرگ از دیگر پیامدهای رشد بی‌رویه جمعیت است. در حالی که در سال ۱۹۰۰ میلادی از هر هشت نفر فقط یک نفر در مناطق شهری زندگی می‌کرده است گیلبرت و گاگلر (۱۳۷۵). در سال ۱۹۵۰ جمعیت شهری جهان ۷۳۷ میلیون نفر یا ۲۹ درصد کل جمعیت جهان و تا سال ۱۹۹۵ این میزان به ۲ میلیارد و ۶۰۳ میلیون نفر که ۴۵ درصد از جمعیت دنیا را شامل می‌شد، بالغ گردید (Flood 1997). هم‌اکنون بیش از نیمی از جمعیت جهان یعنی ۶/۵۰ درصد در شهرها زندگی می‌کنند. مهم‌تر آن که رشد جمعیت شهرنشین در مقایسه با روستانشین در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰، ۱/۹۲ درصد در مقابل ۴۵ درصد رشد سالیانه جمعیت روستانشین بوده است <http://esa.un.org/unpd/wup/unup/index.aspx> (25 may 2010)

رشد جمعیت شهرها و مهاجرت از روستا به شهر، پدیده کلان شهرها را سبب شده است، به گونه‌ای که تا سال ۲۰۱۰، ۱۵۰ شهر بالای ۲ میلیون نفر در جهان ایجاد شده است. مهم‌تر از آن روند رو به رشد جمعیت این کلان شهرهاست. در حالی که در سال ۱۹۵۰ تعداد شهرهای بالای ۵ میلیون نفر، از شش تجاوز نمی‌کرد، امروزه این تعداد شهرها به ۳۹ شهر افزایش یافته است (www.citymayors.com (25 May 2010). این فرآیند در کشورهای در حال توسعه با شدت و حدت بیشتری در حال انجام است. در برخی مناطق شهری رشد جمعیت سه تا چهار برابر و حتی در بعضی شهرها سالیانه بالاتر از ۱۰ درصد، رشد کلی جمعیت است (شیخی). در سال ۱۹۵۰، تنها دو شهر در قاره آسیا یعنی توکیو و شانگهای جمعیتی بالغ بر ۵ میلیون نفر داشته‌اند. در آن زمان جمعیت این دو شهر حدود ۱۲/۵ میلیون نفر بود، اما در سال ۱۹۸۰ جمعیت شهرهای بالای ۵ میلیون نفر در قاره آسیا به ۱۱۳/۵ میلیون نفر رسید. یعنی تنها در مدت سی سال، جمعیت این کلان شهرها ۹ برابر افزایش یافته است. هم اکنون براساس برآورد سال ۲۰۱۰ تعداد شهرهای بزرگ آسیا یعنی بالای ۵ میلیون نفر به ۲۷ شهر بالغ شده است که مجموعاً بیش از ۲۲۵ میلیون نفر جمعیت را در خود اسکان داده‌اند (Ibid). به عبارتی طی ۶۰ سال (از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۱۰) جمعیت بزرگ شهرها در آسیا هجده برابر شده است.

کشور ایران نیز نه تنها از قاعده فوق مستثنی نیست، بلکه فرآیند شهرنشینی با سرعت بیشتری در ۵۰ سال اخیر در این کشور در حال جریان بوده است. میزان رشد بالای جمعیت در مناطق روستایی و عدم توسعه یافتگی این مناطق و در نتیجه عدم توانایی برای جذب وارد شدگان به بازار کار در فعالیت‌های زراعی، مهاجرت‌های بی‌رویه از روستا به شهر را تشدید کرده است. داده‌های اولین سرشماری در ایران یعنی در سال ۱۳۳۵ تا آخرین سرشماری، ۱۳۸۵ بیان‌گر تکرار این وضعیت در پنج دهه اخیر در ایران است. در حالی که در سال ۱۳۳۵، جمعیت شهری ۳۱/۴ درصد و جمعیت روستایی ۶۸/۶ درصد بوده است، در سال ۱۳۸۵ این نسبت معکوس شده است و جمعیت شهری با ۶۸٪ از جمعیت روستایی که تنها ۳۲٪ را شامل می‌شود، پیشی گرفته است. به عبارتی میانگین رشد

جمعیت شهرنشینی در این دوره در ایران برابر ۴/۱۳ بوده است. یعنی جمعیت شهری ایران در فاصله هر ۱۷ سال یکبار، دو برابر شده است.

اگرچه در سال‌های اخیر به دلیل کنترل نسبی جمعیت و مشکلات زندگی شهری در شهرهای بزرگ رشد جمعیت شهری به ۲/۷۴ درصد کاهش یافته است، اما با همین میزان رشد نیز جمعیت شهری ایران در فاصله ۲۵ سال یکبار دوبرابر می‌شود.

موضوع شهری شدن و تراکم جمعیت در شهرهای بزرگ از این نظر حائز اهمیت است که بدانیم به دلیل ضعف مدیریت در کشورهای در حال توسعه، رابطه معناداری بین انبوهی جمعیت و فقر، حاشیه نشینی، ناهنجاری‌های اجتماعی و افزایش جرایم، ترافیک، آلودگی هوا و به طور کلی مشکلات زیست محیطی وجود دارد. فقر نسبی و مطلق به ویژه در حاشیه شهرهای بزرگ، از پدیده‌های انسانی است که از رشد و مهاجرت بی‌رویه جمعیت ناشی شده است. فقر مطلق وضعیتی است که درآمد افراد کفاف نیازهای اساسی زندگی آنان را نمی‌دهد و افراد را به سمت شغل‌های کاذب و انواع جرایم سوق می‌دهد. این در حالی است که از نظر جامعه‌شناسی ثابت شده است که حاشیه نشینی با جرم زایی رابطه مستقیمی دارد (شیخی). علاوه بر فقر و حاشیه نشینی شکاف طبقاتی در شهرها، به ویژه شهرهای بزرگ از جمله عواملی است که باعث بروز ناهنجاری‌های اجتماعی و مشکلات هویتی می‌گردد. از منظر جامعه‌شناسی، گرایش به سوی کلان شهرها میزان جرایم را بالا می‌برد. برخی از مهاجران که تقیدات اجتماعی در روستاها و شهرهای کوچک را پشت سر گذاشته‌اند به دلیل امکان ناشناختگی و عدم تطبیق و تجانس با فرهنگ و شیوه زندگی جدید، دچار بحران هویت گردیده و در محیط‌های نامأنوس شهری، گاه و بیگاه اقدام به خلاف کاری‌ها و ارتکاب جرایم متعدد می‌نمایند. کمیت و کیفیت جرایم و تعداد پرونده‌های قضایی به نسبت جمعیت گواه خوبی برای این موضوع می‌باشد.

با رشد جمعیت و مهاجرت از روستاها به شهرها، امکانات و زیر ساخت‌های شهری با فشار جمعیت مواجه می‌شود. وضعیت مسکن روز به روز بدتر شده و متراکم‌تر می‌گردد.

با تراکم ساختمان‌ها و در نتیجه افزایش ترافیک، کیفیت هوا تنزل می‌یابد، زباله‌های مازاد بر بازیافت، منابع آب‌های سطحی و زیر سطحی را آلوده‌تر می‌کند و به طور کلی کیفیت محیط زیست را با چالش اساسی مواجه می‌سازد. (Crane and Daniere 1996)

تخریب محیط زیست، استفاده بی‌رویه از منابع آب و عقب نشینی زمین‌های حاصل خیز بخش کشاورزی به نفع ساخت و سازها، تولید انبوه زباله و ورود پسماندها به چرخه طبیعت و ... از مواردی است که گریبان بزرگ شهرها را فراگرفته است. فشار جمعیت بر محیط زیست، جنگل‌ها، خاک، سفره‌های آب زیر زمینی و به طور کلی باعث به هم خوردن تعادل اکوسیستم شده، کیفیت شاخص‌های بهداشتی را پایین می‌آورد. برای مثال جمعیت ۷۵ میلیونی ایران با سرانه ۶۰۰ گرم زباله، ۴۵ میلیون تن زباله در روز تولید می‌کند و از آن جا که سیستم‌های بازیافت هنوز عمومیت پیدا نکرده است، سالانه محیط زیست را با خطرات و دشواری‌های زیادی مواجه می‌سازد.

موضوع کم آبی از دیگر پدیده‌هایی است که با فرآیند رشد و ازدیاد جمعیت رابطه مستقیمی دارد. با این که سازمان بهداشت جهان مقدار متوسط سرانه ۱۵۰ لیتر را برای رفع نیازهای آشامیدنی و بهداشتی روزانه هر فرد تعیین کرده است، اما هم اکنون بسیاری از مناطق جهان با کمبود جدی منابع آب روبه‌رو است. در حالی که سرانه مصرف سالیانه در ایالات متحده آمریکا برای هر فرد، ده هزار متر مکعب آب برای مصارف کشاورزی، صنایع و نیازهای بهداشتی و غیره می‌باشد، در مصر، سرانه مصرف هر فرد هزار متر مکعب و در اردن به ۲۶۰ متر مکعب کاهش می‌یابد امانی (۱۳۷۸).

کشور ایران با متوسط بارش سالیانه ۲۵۰ میلی متر از مناطق کم آب دنیاست. سرانه مصرف هر فرد در ایران برابر ۱۳۰۰ متر مکعب در سال است. با این میزان مصرف سرانه، ایران سالیانه نزدیک به ۱۰۰ میلیارد متر مکعب آب نیازمند است. هم اکنون با وجود زمین‌های حاصل خیز و قابل کشت به دلیل کم آبی، بخش قابل توجهی از مواد غذایی و محصولات کشاورزی از خارج کشور وارد می‌شود. مهم‌تر این که بسیاری از مراکز

جمعیتی ایران با مشکل آب شرب مواجه می‌باشند. شهر تهران با این که از سدهای لار، لتیان، امیر کبیر، طالقانی و ماملو استفاده می‌کند؛ اما در مردادماه سال ۱۳۸۹ حدود ۶۴ درصد از طریق سدهای فوق و ۳۳ درصد آب شهر از طریق چاه تأمین شده است 29May2010 www.wrm.ir همان‌طور که اشاره شد میانگین فرآیند رشد جمعیت شهرهای ایران در پنجاه سال اخیر ۴/۱۳ درصد بوده است. اگر تنها میانگین رشد کنونی شهرهای ایران یعنی رشد ۲/۷۴ درصدی را برای کلان شهر تهران و شهرهای بزرگ در نظر بگیریم جمعیت این شهرها ۲۵ سال یکبار دو برابر خواهد شد. صرف نظر از معضلاتی همچون بیکاری، فقر، بزهکاری‌های اجتماعی، مسکن، ترافیک و آلودگی‌های زیست محیطی و... سوال اساسی این خواهد بود که منابع آب مورد نیاز این شهرها در آینده نزدیک از کجا تأمین خواهد شد؟ علاوه بر آب شرب و مصارف بهداشتی با توجه به روش‌های سنتی آبیاری در بخش کشاورزی که حدود ۹۰ درصد آب استحصالی را به خود اختصاص داده است، نیاز جمعیت فزاینده ایران مستلزم یک انقلاب بزرگ در نظام آبیاری کشور و یا وابستگی بیش از پیش به محصولات زراعی خارجی است. بنابراین وجود بحران از هم اکنون خود را نمایان کرده است.

د: اقدامات جهانی و ایران برای جلوگیری از رشد فزاینده جمعیت

همان‌گونه که اشاره شد، مبحث جمعیت‌شناسی و کنترل موالید، موضوعی قدیمی است؛ اما پیامدهای منفی رشد فزاینده جمعیت در سده‌های اخیر پژوهش‌گران، نهادهای مدنی، مسئولان و دست اندر کاران واحدهای سیاسی و سازمان‌های بین‌المللی را به تکاپو واداشت تا نسبت به موضوع کنترل جمعیت اقداماتی را به انجام برسانند. اولین تلاش‌ها، نوشتن کتب و مقاله‌هایی در این زمینه بود. نخستین پژوهش تجربی در حوزه جمعیت‌شناسی توسط «جان گرانت» در نیمه دوم قرن هفدهم در ارتباط با آمار مرگ و میر در شهر لندن به انجام رسید که توسط همکاران معاصر وی همچون «ویلیام پتی» و «ادموند هالی» تکمیل شد (میرزایی). اما اولین فردی که رشد فزاینده جمعیت را به عنوان یک

مشکل اساسی مطرح کرد، مالتوس کشیش و جمعیت‌شناس انگلیسی بود. بعدها افکار وی توسط نئومالتوزینیسم‌ها تداوم یافت. کسانی همچون خانم «مارگارت سانجر» از اعضا و رهبران نهضت تساوی طلبی زنان آمریکا علاوه بر نگارش کتاب‌ها و انتشار مجله‌ای در خصوص کنترل جمعیت، اولین درمانگاه کنترل موالید را نیز در آمریکا، راه اندازی نمود (بهنام).

هم‌زمان با این اقدامات، شرکت‌های دارویی و تولیدی، در صدد یافتن روش‌ها، داروها و وسایلی برآمدند تا به کمک آن بتوانند، نرخ فزاینده جمعیت را با کنترل موالید مهار کنند. مقامات رسمی و مسئولان واحدهای سیاسی نیز متأثر از پیامدهای منفی نرخ بالای زاد و ولد، تلاش‌هایی را در دستور کار قرار دادند. ژاپن با اتخاذ تدابیری تحت عنوان قوانین و ضوابط حفظ نسل، موفق شد نرخ رشد جمعیت از ۳/۴٪ در سال ۱۹۴۸ به ۱/۸٪ در سال ۱۹۵۷ و سپس به ۱٪ در سال ۱۹۸۶ کاهش دهد (شیخی). برخی از کشورها، از جمله تایلند از طریق بالا بردن سن قانونی ازدواج در صدد کاهش نرخ رشد جمعیت برآمدند (الهی). تلاش‌های تبلیغاتی از طریق رسانه‌های جمعی و دستگاه‌های هشدار دهنده «جمعیت نما» در میادین شهرهای بزرگ در برخی کشورها از جمله کره جنوبی که افزایش جمعیت کشور را هم‌زمان بر حسب ثانیه نشان می‌داد، نمونه‌ای از این اقدامات است.

از دیگر سو، کنفرانس‌هایی با مشارکت صاحب نظران، مسئولان سیاسی و اجرایی و نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی برپا گردید که می‌توان از کنفرانس ۱۹۷۴ در بخارست رومانی، کنفرانس ۱۹۸۴ در پایتخت مکزیک و کنفرانس سال ۱۹۹۴ در قاهره با عنوان جمعیت و توسعه نام برد.

در ایران نیز سابقه مبارزه با رشد فزاینده جمعیت به بیش از چهار دهه بالغ می‌شود. در سال ۱۳۴۶، معاونتی به نام بهداشت و تنظیم خانواده در وزارت بهداشت ایجاد شد و برای نخستین بار به طور رسمی دولت، در امر تنظیم خانواده و کنترل جمعیت با هدف تعدیل میزان نرخ رشد جمعیت دخالت کرد. اراده سیاسی به منظور مهار رشد جمعیت به گونه‌ای بود که در برنامه پنجم توسعه اقتصادی - اجتماعی (۵۷ - ۱۳۵۲)، دستیابی به رشد ۱٪ در

بیست سال آینده مورد تصویب قرار گرفت. اگرچه واقعیت موجود با هدف پیش بینی شده، فاصله داشت؛ اما نرخ رشد جمعیت از ۳/۱۳٪ در دهه ۴۵ - ۱۳۳۵ به ۲/۷ در دهه ۵۵ - ۱۳۴۵ کاهش یافت. با پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷ و سپس جنگ عراق با ایران، برنامه کنترل رشد جمعیت به محاق رفت به گونه‌ای که در دهه اول انقلاب، ایران بالاترین رقم نرخ رشد جمعیت یعنی ۳/۹۲ درصد را تجربه نمود.

پیامدهای منفی رشد فزاینده که ابتدا در نیازهای مصرفی و آموزشی جلوه گر شده بود، پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و اتمام جنگ، مسئولان را به فکر چاره انداخت. برپایی همایش مربوط به جمعیت و توسعه در شهریور ۱۳۶۷ در شهر مشهد و طرح مسائل مربوط در رسانه‌های جمعی، آغاز مجددی بر احیاء سیاست‌های کنترل نرخ رشد جمعیت بود. هیأت دولت در ۸ اسفندماه ۱۳۶۷ پس از اخذ موافقت امام خمینی، سیاست کنترل موالید را مورد تصویب قرار داد و با تشکیل شورای موالید مرکب از وزراء یا نمایندگان وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، فرهنگ و آموزش عالی، فرهنگ و ارشاد اسلامی، کار و امور اجتماعی و همچنین مرکز آمار ایران و سازمان‌های برنامه و بودجه و صداوسیما، موضوع سیاست‌های جمعیتی کشور در دستور کار قرار گرفت.

همگامی اراده دولت و تنگناهای معیشتی بر خانوارها و آگاهی‌های نسبی سبب شد که کنترل موالید با موفقیت همراه شود، به گونه‌ای که میانگین رشد جمعیت در ۲۰ سال اخیر به ۱/۹۶ درصد کاهش یافت. اگرچه در دهه اول انقلاب بیش از ۲۰ میلیون جمعیت اضافه بر فرآیند توسعه کشور تحمیل شد؛ اما در دو دهه بعد با نرخ متعادل‌تری از ۲۵ میلیون جمعیت احتمالی جلوگیری به عمل آمد.

بنابراین اگرچه اقدامات جهانی و ایران تا حدودی با توفیق همراه بوده است؛ اما تداوم این سیاست‌ها، به ویژه تلاش در جهت توسعه کشورهای در حال رشد، می‌تواند فرآیند انتقال به مرحله تثبیت جمعیت را با سرعت بالاتری سپری نماید. همان گونه که مطالعه «دیز» در کوبا و مطالعات «گیتاوا» نشان داده‌اند، رابطه معناداری بین افزایش متعادل‌تر

درآمد و دسترسی همگانی به خدمات درمانی با افزایش امید به زندگی و رشد جمعیت وجود دارد (Diaz 1979). مقایسه تطبیقی بین میزان نرخ رشد جمعیت در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نیز بیان گر آن است که رابطه معناداری بین توسعه یافتگی و کاهش نرخ رشد و تثبیت جمعیت وجود دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

همان‌گونه که ملاحظه شد، با توجه به رشد جمعیت و محدودیت‌های منابع به ویژه در کشورهای در حال توسعه، ایجاب می‌کند که نه تنها واحدهای سیاسی، بلکه سازمان‌های بین‌المللی در خصوص پدیده رشد جمعیت چاره‌جویی کنند در غیر این صورت پیامدهای منفی چون بیکاری، فقر، مشکلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و گسترش حاشیه نشینی، ناهنجاری‌های اجتماعی و مهم‌تر از آن تخریب محیط زیست اجتناب ناپذیر خواهد بود. فرآیند رشد جمعیت در ایران نیز از این قاعده تبعیت می‌کند. اگرچه قدر مطلق جمعیت ایران به نسبت وسعت قلمرو، امکانات و منابع زیاد نیست؛ اما از دیدگاه اقتصاد توسعه، عدم تناسب بین رشد سریع جمعیت و رشد تولید ملی، باعث تقلیل درآمد سرانه، بیکاری، فقر و به تبع آن افزایش بهره‌کاری‌های اجتماعی و کاهش کیفیت زندگی شده است. در دهه‌های اخیر رشد فزاینده جمعیت باعث سوق دادن منابع به سمت نیازهای مصرفی شده است و افزایش جمعیت به عنوان مهم‌ترین مانع توسعه ایفای نقش کرده است.

اگرچه در سال‌های اخیر به دلیل اقدامات دولت، افزایش آگاهی‌های اجتماعی و مشکلات اقتصادی، روند رشد جمعیت با کاهش نسبی مواجه بوده؛ اما به نظرمی رسد پیامدهای زیان بار رشد فزاینده، ایجاب می‌کند دولت، نهادهای تبلیغی، رسانه‌های دیداری و شنیداری، مراکز آموزشی و بهداشتی، کنترل رشد جمعیت را تا حد ۰/۵ درصد در دستور کار قرار دهند. خوشبختانه همان‌گونه که در مبحث اسلام و کنترل جمعیت توضیح داده

شد، مراجع، فقها و صاحب نظران اسلامی اعم از شیعه و سنی، نه تنها با مقوله کنترل موالید، مخالفتی نداشتند که در مواقع لزوم کنترل موالید را نیز لازم و ضروری دانسته و استفاده از شیوه‌های تبلیغی و روش‌های کنترل بارداری را تجویز نموده‌اند.

نکته دیگری که نباید از آن غفلت ورزید، تلاش در جهت توزیع بهینه جمعیت، متناسب با آمایش سرزمین است. دولت با تقویت محرکه‌های توزیع بهینه جغرافیای جمعیت، با اتخاذ استراتژی اقتصاد سرمایه گذارانه، به جای خدمات گرایانه، با سرمایه گذاری‌های اساسی و زیر بنایی در مناطقی از کشور و ایجاد قطب‌های توسعه منطقه‌ای و توسعه صنعت توریسم می‌تواند بخشی از جمعیت را به آن مناطق سوق دهد. سرمایه گذاری در صنعت نفت و گاز در مناطق جنوبی و سواحل خلیج فارس، احداث شهرهای جدید صنعتی، بیابان زدایی برای جلوگیری از پیش روی کویر، ایجاد اشتغال در روستاها و به طور کلی استفاده از منابع داخلی، سرمایه گذاری خارجی به ویژه بخش خصوصی در سرمایه گذاری‌های زیر بنایی به منظور اشتغال، تولید و رونق اقتصادی در مناطق مختلف کشور از آن جمله است. در این مورد سرمایه گذاری در طول سواحل خلیج فارس و دریای عمان همانند آنچه در پارس جنوبی (عسلویه و نخل تقي) اتفاق افتاده است مورد تأکید می‌باشد. چرا که علاوه بر توزیع فضایی جمعیت با پیشرفت تکنولوژی آب شیرین کن‌ها در آینده امکان بهره برداری از منابع آب خلیج فارس و دریای عمان میسر خواهد بود. در غیر این صورت ایران آینده چشم اندازی مبهم و تاریک از بیکاری، فقر، ناهنجاری‌های اجتماعی و به طور کلی توسعه نیافتگی را به ما نشان خواهد داد.

- ابن خلدون. عبدالرحمان (۱۳۴۵). مقدمه ابن خلدون. ترجمه محمد پروین گنابادی. جلد اول. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اطاعت، جواد (۱۳۷۶). ژئوپولیتیک و سیاست خارجی ایران. تهران: نشر سفیر.
- اطلس گیتاشناسی یا google/population
- الهی، همایون (۱۳۶۷). امپریالیسم و عقب ماندگی. تهران: شرکت انتشاراتی افست.
- امانی، مهدی (۱۳۷۸). جمعیت‌شناسی جهان. تهران: انتشارات سمت.
- بهنام، جمشید (۱۳۴۸). جمعیت‌شناسی عمومی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- خامنه‌ای، علی (۱۳۸۹). استفتای شماره ۴۰۶۲۷ در پاسخ به نگارنده. روزنامه کیهان. ۱۳۵۸/۶/۱۹.
- روزنامه همشهری ۲۳ / ۵ / ۱۳۸۹. به نقل از مرکز آمار ایران.
- شیخی، محمدتقی (۱۳۷۲). در زمینه جامعه‌شناسی جمعیت. تهران: نشر سفیر.
- صناعی، یوسف (۱۳۸۷). استفتائات پزشکی. قم: انتشارات میثم تمار.
- کتابی، احمد (۱۳۶۴). نظریات جمعیت‌شناسی. تهران: نشر اقبال.
- کلاهی، رسول (۱۳۴۹). جغرافیای جهان سوم. بنیانهای اجتماعی و مشخصات اقتصادی. دانشگاه شیراز.
- گیلبرت، آلن و گاگر، ژوزف (۱۳۷۵). شهرها، فقر و توسعه. شهرنشینی در جهان سوم. ترجمه پرویز کریمی ناصری. تهران: اداره کل روابط عمومی و بین‌الملل شهرداری تهران.
- مرکز آمار ایران (آمارها از داده‌های سرشماری مرکز آمار ایران و یا سالنامه‌های آماری اخذ و تحلیل شده است).
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۹). پایگاه اطلاع رسانی. زیرشاخه فتوی.
- موسوی اردبیلی، عبدالکریم (۱۳۸۹). استفتای شماره ۳۳۴۴ در پاسخ به نگارنده.
- هریسون، پل. ۱۳۶۴. درون جهان سوم. ترجمه شاداب وجدی. تهران: انتشارات فاطمی.

- Crane. R. and Daniere. A(1996)“Measuring access to basic services in global cities: descriptive and behavioral approaches”. **Journal of the American Planning Association**. Vol. 62 (2). PP. 203-221.
- Diaz. Briauets. S. 1979. Mortality in Cuba. University of pensylvania.
- Flood. J . 1997. “urban and housing indicators” urban studies. 34 (10)
- Hamm. E. A. A. 1990. **Theory of Demography Population and Development**. Review. Vol. 16. No. 3. P455- W. Junk. 1964.
- **Population crisis and the use of world. Resourse. Puplishers the Hague.**
- <http://esa.un.org/unpd/wup/unup/index.asp?panel.1>.
- <http://www.citymayors.com>
- Musallam. 1983. **Sex and Society In Islam. Birth Control before the nineteenth Country**. Combridge university press.
- W. Junk. 1964. **Population crisis and the use of world**. Resourse. Puplishers the Hague
- www.wrm.ir May2010